

حوادث ۱۹ مرداد

«**کوتاه‌از حوادث**»

❖ جسد سومین فرد ناپدید شده در حادثه سیل شهرستان کلپیر، پیدا شد. یکشنبه هفدهم مرداد امسال سیل در چهار روستای شهرستان کلپیر استان آذربایجان شرقی خساراتی جدی به تاسیسات زیربنایی، واحدهای مسکونی حریم رودخانه، ادوات کشاورزی، دام‌ها و خودروهای روستاییان وارد کرد. علاوه برآن باعث شد سه نفر از روستاییان نیز در ۳۶ سیلاب ناپدید شوند. در چند روز گذشته جسد مرد ۶۵ ساله و پسر ۱۲ ساله پیدا شد. اما جسد پسر ۱۴ ساله پیدا نشده بود تا این‌که سرانجام دیروز جسد این فرد گمشده در سیلاب نیز از سوی نیروهای امدادی و بومیان محلی پیدا شد.

❖ انفجار در واحد تولید فشفسه در شهر بلداجی جان زن ۳۶ ساله‌ای را گرفت. ساعت ۱۰ و ۴۴ دقیقه دیروز چهارشنبه بیستم مرداد، انفجاری در یکی از واحدهای تولیدکننده فشفسه در شهر بلداجی شهرستان بروجن رخ داد. نیروهای امدادی در محل حاضر شدند و پی برند در این حادثه زن ۳۶ ساله‌ای که در این کارخانه کار می‌کرده، بر اثر موج انفجار و شدت جراحات فوت کرده‌است. شعله‌های آتش توسط آتش‌نشانان مهار شد و علت حادثه در دست بررسی است.

❖ بهزیستی درباره ادعای تجاوز به سه دختر معلول در یکی از مراکز نگهداری ارمویه واکنش نشان داد. سعید فریو، مدیرکل بهزیستی آذربایجان غربی دیروز در این باره گفت؛ چندی قبل ادعایی در فضای مجازی منتشر شد که طی این ادعا اعلام شد سه دختر معلول در یکی از مراکز نگهداری ارمویه مورد تجاوز یکی از کارکنان آن مرکز قرار گرفته است. تجاوز به سه دختر معلول در حد ادعا بود و در حال بررسی از طریق نیروی انتظامی و قوه قضاییه است. تاکنون دلیل محکمه‌پسندی برای این ادعا ثابت نشده‌است. علاوه برآن هیچ شکایتی در این زمینه از سوی خانواده‌های آنها به ثبت نرسیده و موضوع همچنان در حال بررسی است و اگر شاهد هتک حرمت به معلولان باشیم و این ادعا صحت داشته باشد، با خاطیان به صورت جدی برخورد می‌شود.

❖ چهار عضو باند انتشار عکس و فیلم شخصی افراد در فضای مجازی به قصد اخاذی و تطمیع کاربران، دستگیر شدند. سرهنگ یوسف درویشی، فرمانده انتظامی دهگلان استان کردستان دیروز در این باره گفت؛ فردی با حضور در پلیس فتا شکایت کرد که فردی ناشناس، از طریق کیی عکس‌های شخصی وی از طریق یکی از شبکه‌های اجتماعی قصد ایجاد مزاحمت دارد. در تحقیقات، شاکي مدعی بود فرد مزاحم با استفاده از هک کردن آی‌دی شخصی وی اقدام به کپی کردن عکس و فیلم‌های شخصی او کرده‌است. پلیس فتا چهار نفر که مجرد بوده و اقدام به انتشار ۱۰ فیلم و عکس‌های شخصی افراد می‌کردند را شناسایی و آنها در عملیات‌های جداگانه‌ای بازداشت شدند. متهمان به جرایم‌شان اعتراف کردند و گفتندکه انگیزه‌شان از این اعمال مجرمانه اخاذی و تطمیع کاربران برای اهداف شخصی خودشان بوده‌است.

❖ راننده کرجی تریلر بار اکسیژن خود را با لاستیک‌های پنجر به قائمشهر رساند و جان صدها بیمار کرونایی را نجات داد. شاهرخ بیکدلی، راننده کرجی تریلر هنگام انتقال اکسیژن با تریلی از تهران به قائمشهر بود که در نزدیکی بیمارستان لاستیک تریلی پنجر شد. از آنجا که اکسیژن بیمارستان رو به پایان بود و بیماران به اکسیژن نیاز داشتند، برای تعویض لاستیک توقف نکرد و با همان لاستیک پنجر خودشان را به بیمارستان رساند. او به‌دلیل تعویض نکردن لاستیک، دچار خسارت مالی شد، بنابراین مردم قائمشهر تصمیم گرفتند خسارتش را پرداخت کنند اما این راننده، پول خسارت را قبول نکرد و خواست که این پول برای بیماران نیازمند هزینه شود.

❖ مردی که به اتهام قتل تحت تعقیب پلیس کرمانشاه بود بعد از ۱۸ سال فرار در یکی از شهرهای استان کرمان بازداشت شد. متهم سال ۱۳۸۲ در شهرستان هرسین فردی را به قتل رساند و متواری شد. از آن موقع پلیس دنبالش بود اما وی مخفیگاهش را مدام عوض می‌کرد تا این‌که در روز پیش با گذشت ۱۸ سال از این جنایت، در قاتل فراری در یکی از شهرستان‌های استان کرمان به دست آمد. متهم ماموران با هماهنگی قضایی به آنجا اعزام شده و قاتل قرارری در مخفیگاهش بازداشت شد. او در جریان تحقیقات به قتل مردی که ۱۸ سال قبل او را کشته بود اعتراف کرد اما درباره انگیزه‌اش اظهارات ضدونقیضی را مطرح کرده که تحقیقات از وی ادامه دارد.



کرده است. متهم تحت تعقیب بود تا این‌که رد او در شمال تهران به دست آمد و بازداشت شد. او در جریان تحقیقات پلیسی اعتراف کرد ۲۰ نفر را به شیوه مشابه فریب داده و از آنها به بهانه فروش واکسن کرونا پول گرفته و واکسنی برایشان ارسال نکرده و از این راه توانسته ۵۰۰ میلیون تومان کلاهبرداری کند.

پشت‌صحنه یک ماجرا

آموزش های لازم در خانواده عامل کاهش جرایم

❖ دربررسی این پرونده قتل که درآن جوانی پیرزن همسایه شان را به قتل رسانده، ردپای مشکلات اقتصادی ،اعتماد به شیشه دیده می شود که باعث شده متهم با انگیزه سرقت اقدام به قتل کند. هر چند در اجرای نقشه سرقت، ناکام مانده بود. خانواده ها باید آگاه باشند ، اگر پدر یا مادری سالخورده دارند که تنها زندگی می کنند باید سرکشی بیشتری به او داشته باشند ، وضعیت همسایگان را برترسی کنند که اگر فردی خلافکار یا معتاد در آن ساختمان زندگی می کند از آن موضوع مطلع باشند و از آنها بخواهند اجازه ورود این افراد به خانه شان را ندهند و اعتمادی به آنها نداشته باشند. متهم پرونده فردی معتاد بوده که همین باعث شده او برای تامین هزینه موادش تصمیم به سرقت مرگبار بگیرد. اگر خانواده کنترل بهتر و بیشتری بر روی رفتار فرزندشان داشتند شاید او گرفتار اعتیاد و در نتیجه قتل نمی شد.

❖ با دیدن من مقابل خانه‌اش تعجب کرد. او را هل داده و وارد خانه‌اش شدم. فریاد زد و از همسایه‌ها کمک خواست که برای ساکت کردن او روسری‌اش را به دور گردنش انداختم و گره زدم. بعد جست‌وجو برای یافتن طلا و پول هایش را در خانه شروع کردم اما جای اموال را پیدا نکردم. بازگشتم دیدم مرده و نبض ندارد. خیلی ترسیدم. انگشتتر تلایش را درآورده و روی میز گذاشتم تا آن را بردارم که با شنیدن صدای یکی از همسایه‌ها ترسیدم و با جا گذاشتن انگشت سریع بیرون آمده و به کارگاه محل کارم در فشم رفتم و شب بازگشتم.

❖ **بعد چه شد؟**

شب مادرم گفت پیرزن را کشته‌اند و با آمدن پسرش به خانه جسد او را یافته‌اند. وحشتزده بودم و هر از گاهی که همسایه‌ها را در ساختمان می‌دیدم پرس‌وجو می‌کردم تا

❖ **بفهم ردی از من پیدا شده یا نه؟**

❖ **این‌مدت چطور گذشت؟**

خیلی سخت و کابوس لحظه جنایت مقابل چشمانم بود.

❖ **چطور بازداشت‌شدی؟**

ماموران در ارتباط با قتل پیرزن بارها از همسایه و من تحقیق کردند اما بعد از چهارماه چون من تنها فردی بودم که در

قتل شوهر با همدستی فامیل دور

اعتراف کرد و گفت؛ من و عاطفه نسبت فامیلی دوری داریم. عاطفه از زندگی مشترکش راضی نبود و با من صحبت می‌کرد. یک‌بار همراه عاطفه و دو نفر از دوستانم برای تفریح به خارج از شهر رفتیم. در آنجا مشروب خورده و موادمخدر مصرف کردیم. حال او بد شد و من مجبور شدم او را تا داخل خانه‌اش همراهی کنم. وقتی می‌خواستیم از خانه خارج شوم، شوهرش سر رسید و با دیدن من در آنجا تعجب کرد. باهم درگیر شده و او را کشتم. بعد همراه عاطفه جسد را در صندوق عقب ماشین گذاشته و در حاشیه شهری دفن کردیم.

پس از این اتفاقات، مأموران راهی محل دفن جسد شده و بقایای جسد را پیدا کردند. در ادامه عاطفه نیز دستگیر شد و به ارتباط با احمد اعتراف کرد. پرونده این جنایت با تکمیل تحقیقات در دادسرا و با صدور کیفرخواست به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. قرار است متهمان به‌زودی پای میز محاکمه قرار بگیرند.

پزشک قلابی با فریب دختر جوان، او را ربود و در باغی زندانی کرد

گروگانگیری برای تامین هزینه فرار از کشور



وحشتناکی روی دستا ن و چهره‌های‌شان داشتند. به موضوع مشکوک شده و بعد از کارگاه‌بازی متوجه شدم او یک خلافکار حرفه‌ای است که در یک پرونده قتل تحت تعقیب پلیس قرار دارد. از فرهاد جدا شده و تهدیدش کردم او را به پلیس لو می‌دهم. او برای این‌که رازش فاش نشود، مرا بود و به گروگان گرفت.». در ادامه تحقیقات، مرد آمریبا نیز با اعتراف به جرایمش گفت: «با دوستانم در دعوایی شرکت کردیم که مردی کشته شد، دوستم قاتل شد و من به اتهام معاونت در قتل متواری شدم. مدتی فراری بودم، اما پولی نداشتم که از کشور

تلاگرمی اقدام به خرید دو دوز واکسن کرونا کرده و ۴۰ میلیون تومان پرداخته اما فروشنده سرش کلاه گذاشته و واکسن‌ها را ارسال نکرده است.

وی افزود: در جریان تحقیقات معلوم شد مرد کلاهبردار در یک کانال تلاگرمی مردم را فریب داده و اقدام به کلاهبرداری با عنوان فروش واکسن کرونا

کلاهبرداری به بهانه فروش واکسن کرونا

فردی که با ترند خریدوفروش واکسن کرونا در فضای مجازی اقدام به کلاهبرداری می‌کرد، بازداشت شد.

به گزارش جام‌جم،سرهنگ داوود معظمی گودرزی،رئیس پلیس فتای تهران، دیروز دراین باره گفت؛ فردی با مراجعه به پلیس فتا شکایت کرد در کانال

گفت و گو با مرد معتاد که به قصد سرقت، پیرزن تنها را کشت

برق طلا، از من قاتل ساخت

❖ اعتیاد شهاب ۳۶ ساله باعث شد که وسوسه سرقت طلاهای پیرزن همسایه‌شان به جان او بیفتد غافل از این‌که گرفتار جهنمی می‌شود که بیرون آمدن از آن برایش یک آرزو خواهد شد. او هشتم مرداد سال گذشته برای تامین هزینه‌های خرید شیشه تصمیم گرفت طلاهای پیرزن همسایه‌شان را سرقت کند اما در این اقدام ناکام ماند و با مقاومت پیرزن، مجبور شد او را با روسری خفه کند و به قتل برساند. در «پشت‌صحنه یک جنایت» این هفته پای حرف‌های قاتل شیشه‌ای نشستیم و در یادداشتی به ریشه‌یابی این جنایت پرداختیم.

چون معتاد بودم، گرفتار شدم

هنوز مرگ زن همسایه سالخورده‌شان را باور ندارم و فکر نمی‌کرد یک روزی دستش به خون یک انسان آلوده شود. نمی‌تواند به چهره مادرش که با هزاران بدبختی او را به این سن رسانده، نگاه کند و با او روبه‌رو شود. دستانش به شدت می‌لرزد. با او هم صحبت شده و به تشریح جنایت پرداخت.

❖ **چقدر درس خواندی؟**

تا دیپلم بیشتر درس نخواندم.

❖ **چه کاره بودی؟**

در نصب کولرهای گازی فعالیت داشتم.

❖ **سابقه داری؟**

نه. یک‌بار هم دعوا نکردم که پام به کلانتری باز شود. اما حالا شدم قاتل.

❖ **قتل چه کسی؟**

زن سالخورده همسایه‌مان.

❖ **چرا؟**

دو سال بود که معتاد به شیشه شده بودم و این اواخر هزینه‌های مصرف شیشه‌ام زیاد شده بود و درآمدی که داشتم بیشتر صرف اعتیادم می‌شد و به همین دلیل تصمیم به سرقت گرفتم که ناکام ماندم و قاتل شدم. سه سالی بود من و مادر و برادرم در طبقه بالایی همان ساختمان جنایت زندگی می‌کردیم. شرایط خوب بود. مقول هم همانجا زندگی می‌کرد و زن بی‌آزاری بود. در این سال‌ها چند بار او را دیدم. تنها زندگی می‌کرد و فرزندان و اقوامش به او سرکشی می‌کردند.

❖ **به دلیل تنها بودن این‌زن، خانه‌اش را برای سرقت انتخاب کردی؟**

دختر جوان هنگام عکاسی از طبیعت رودبار بر اثر سقوط از ارتفاع جان باخت

آخرین عکس



نیم‌نگاهی در آنجا

عکاسی از طبیعت زیبای شمال، بزرگ‌ترین عشق دختر عکاس تهرانی بود اما آخر قاتل جانش شد و او جمعه هفته پیش هنگام عکاسی از طبیعت در منطقه پستاله‌کوه شهرستان رودبار سقوط کرد و جان خود را از دست داد.

حورا حسنی، دختر ۲۷ساله تهرانی عاشق طبیعت وکوه و عکسبرداری از آن بود. هر زمان که فرصت می‌کرد و به خانه دایی‌اش در منطقه رودبار می‌رفت، دوربین عکاسی‌اش را برمی‌داشت و عکاسی می‌کرد. هفته پیش همگی دوباره در خانه دایی دور هم جمع شدند. عبدالرضا ملک‌پور، یکی از دوستان خانوادگی آنها درباره این حادثه به جام‌جم می‌گوید: «حورا عشق عجیبی به طبیعت داشت و از ۱۵سال پیش هر زمان به خانه دایی‌اش می‌آمد با دوربین‌اش عکاسی می‌کرد. صبح جمعه، پانزدهم مرداد، حدود ساعت ۸صبح

حورا دوربین‌اش را برداشت و به جنگل رفت. ساعتی بعد، دایی‌اش که پزشک است با من تماس گرفت و گفت خواهرزاده‌ام گوشی‌اش را نبرده و از او بی‌خبریم و از من کمک خواست. من هم با خواهرزاده‌ام تماس‌گرفتم و موضوع را با او درمیان گذاشتم. مدتی بعد خواهرزاده‌ام به من زنگ زد و گفت کیف دوربین‌اش را پیدا کردیم. پس از کمی پیشروی، چکمه‌هایش را هم پیدا کردیم که یکی از چکمه‌ها در فاصله هفت، هشت متری و دیگری حدود ۲۰،۳۰ مترآن طرف‌تر افتاده بود. ساعت ۱۱صبح خواهرزاده‌ام گفت جنازه را پیدا کرده‌است. سپس با ۱۱۰و هلال احمر رودبار تماس‌گرفتم و آنها را در جریان قرار دادیم.»

او ادامه می‌دهد: «دختر جوان از ارتفاع حدود ۳۰متری سقوط کرده بود. در مسیر سقوط ابتدا به شاخه درختی برخورد کرده و از سرقتش کم‌شده بود اما همچنان سقوط کرده و پس از سقوط، سرش از سمت راست به سنگ یا چوبی‌که در آن محدوده وجود داشت، برخورد کرده و جانش را از دست داده بود. دایی حورا به تصور اینکه او زنده است، تجهیزات پزشکی را آماده کرده بود اما خبر نداشت او فوت کرده است. حتی وقتی با من تماس می‌گرفت و از حال خواهرزاده‌اش می‌پرسید، دلم نمی‌آمد واقعیت را به او بگویم و می‌گفتم او زنده و بدنش گرم است. مدتی بعد ماموران آگاهی و بازپرس ویژه قتل نیز از او رسیدند و پس از تایید مرگ، جنازه توسط عوامل محلی و نیروهای هلال احمر روی برانکاردو به پاتین انتقال داده شد. همان موقع دایی حورا از فوت او باخبر شد.» مهدی‌احدی، رئیس جمعیت هلال‌احمر شهرستان رودبار نیز درباره این خبر به جام‌جم می‌گوید: «ساعت ۱۱صبح خبر وقوع حادثه به عوامل ما اعلام شد. طبق اعلام بستگان فرد حادثه‌دیده او پس از خروج از خانه، گوشی‌اش را همراهش نبرده بود و به دلیل تأخیر در بازگشت به خانه از نیروهای هلال احمر درخواست کمک کردند؛ البته نیروهای محلی نیز از مدتی پیش جست‌وجو و کاوش را آغاز کرده بودند و پس از پیدا شدن جسد و انجام ضوابط اولیه قضایی و قانونی، جسد از محل خارج و تحویل مراجع شد.»

مرگ دختر در تیراندازی ناخواسته

مرد روستایی هنگام نظافت اسلحه‌اش، تیرهایی شلیک کرد که باعث مرگ دخترش و زخمی شدن همسرش شد. ساعت ۲۲ سه‌شنبه نوزدهم مرداد امسال، حادثه تیراندازی در خانه‌ای روستایی در آبخن‌دراچین شهرستان بویراحمد که یکلویه رخ داد. زمانی که پلیس و نیروهای امدادی به آنجا اعزام شدند، معلوم شد پدر خانواده در حال تمیز کردن اسلحه ساچمه‌ای در خانه بوده که تیرهایی از آن شلیک و به دختر ۱۰ساله و همسر ۳۲ساله‌اش اصابت کرده‌است. دختر خانواده فوت شد و مادرش در بیمارستان شهید بهشتی یاسوج بستری و تحت درمان است.